

یادداشت

چرا از آب و آبادی خبری نیست؟



محمد درویش

● تصفیه‌خانه‌های که برای پالایش و تامین آب شرب مردم آبادان و خرمشهر طراحی و تعبیه شده بود، دیگر پاسخ‌گوی وضعیت کنونی نیست! چراکه این تصفیه‌خانه فقط قرار بود تا با یک مرحله تصفیه ساده و میکروبی‌زدایی، آب آشامیدنی مردم آبادان و خرمشهر را فراهم کند. درحالی‌که اینک، به دلیل تعدد اجرای طرح‌های انتقال آب در بالادست کارون، حفر بیش از حد چاه و استفاده از موتورپمپ به همراه توسعه بی‌رویه کشاورزی، باغداری و دامداری در استان‌های کهگیلویهوبویراحمد، فارس، چهارمحالوبختیاری، ایلام و لرستان و نیز شمال خوزستان، عملا ورودی آب به کارون در مقطع پل اهواز چه از نظر کمی و چه کیفی به‌شدت افت کرده است. افزون برآن، سد گتوند و کشت و صنعت نیشکر هم پیوسته بر شوری کارون و جلگه خوزستان می‌افزایند؛ در نتیجه اینک آب شور خلیج‌فارس، به‌ویژه در مواقع مد، سوار کارون شده و عملا نه‌فقط تصفیه‌خانه این دو شهر از حیز انتفاع ساقط شده، بلکه امکان آبیاری نخلستان‌های اروندکنار هم با لکتند جدی روبه‌رو



شده است. بحران امروز در آبادان و خرمشهر، بار دیگر نشان داد و ثابت کرد: چرا باید به قوانین طبیعت احترام نهاده و اجازه دهیم تا رودخانه‌ها به حیات طبیعی خود ادامه دهند.

امید که با پایان‌دادن به غلبه تفکر سازه‌ای در مدیریت آب، شاهد بهبود توان بوم‌شناختی سرزمین و پایان‌افتن آلام مردم شریف آبادان و خرمشهر باشیم؛ وگرنه تجربه تلخ مردم در پایاب مهم‌ترین رودخانه راهبردی و پرآب کشور، در بختگان، ارومیه، گمیشان، جازموریان و گاوخونی هم تکرار شده و خواهد شد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۷ • ۱۸ شوال ۱۴۳۹ • ۲ جولای ۲۰۱۸ • سال یازدهم • شماره ۳۱۸۴ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



سهیل محمدی

کارگران خط ۶ مترو از سال ۹۶ حقوق خود را دریافت نکردند.



جوایزی به پاس مهربانی شما



سی و هشتمین مرحله قرعه کشی جوایز حساب های قرض الحسنه پس انداز بانک مسکن

مهلت افتتاح یا تکمیل موجودی تا پایان تیرماه ۹۷

هر ۱۰۰ هزار ریال در هر روز یک امتیاز، حفظ حداقل موجودی به مدت ۹۰روز متوالی

مفتوح بودن حساب و داشتن حداقل موجودی ۲۰۰ هزار ریال در روز قرعه کشی



بانک مسکن

www.bank-maskan.ir

مركز ارتباط با مشتریان: ۰۲۱-۸۸۰۰۸۸۰۰

۱۵۰ کمک هزینه خرید واحدمسکونی، هر یک به مبلغ **یک میلیونارد ریال**
۸۰۰ کمک هزینه خرید خودروی داخلی، هریک به مبلغ **چهارصدمیلیون ریال**
۱۸۰۰ کمک هزینه خرید وسایل خانگی، هریک به مبلغ **صدوپنجاهمیلیون ریال**
۴۸۰۰ کمک هزینه خرید صنایع دستی، هریک به مبلغ **پنجاهمیلیون ریال**

و هزاران جایزه نقدی دیگر...

سلام به فردا

شفافیت حق مردم است

در فضای مجازی واگذار شود. البته به‌نظر می‌رسد افشای کل قضیه نیز بلامانع است و مصداق جرم نخواهد بود.

۴- یا در مورد مؤسسات مالی و اعتباری گفته شده اینها بدون مجوز شروع به کار کرده‌اند و تحمل شده‌اند تا کار به اینجا رسیده است. آیا نمی‌توان تاریخچه هر یک از اینها یا حداقل دانه‌درشت‌هایشان را افشا و روشن کرد که مجوز اینها را چه کس یا کسانی داده‌اند و چرا وجودشان تحمل شده و چرا باید مردم از طریق خزانه و بیت‌المال پاسخ‌گوی این ماجرای عجیب باشند.

۵- درعین‌حال بعضا گفته می‌شود کوی هیچ خبری نیست و مشکلی وجود ندارد. به یاد حکایتی افتادم: مجلس درس در حیاط مدرسه چهارباغ تشکیل شده بود و چون تابستان و هوا گرم بود، طلاب در کنار حوض گرد آمده بودند. استاد از راه مغالطه و سفسطه اثبات کرد که حوض وسط حیاط خالی و خشک است. یکی از طلاب گفت: «جناب استاد، فرمایش شما مستین است و بنده مناقش‌های ندارم اما وقتی دستم را در این حوض فرو می‌کنم سرد و خنک می‌شود. این را چکار کنم؟» والله اعلم.

آکادمی

سلامت در اورژانس



بابک زمانی

رئیس انجمن سگته مغزی

- کودک به یک بیماری ارثی در سیستم حرکتی مبتلاست. دارویی اخیرا پیدا شده که شدت بیماری را اندکی کاهش می‌دهد. قیمت دارو برای یک ماه رقمی نجومی است که نمی‌توان باور کرد. تعداد ماه‌های درمان هم روشن نیست. - آقای ۴۸ ساله‌ای است که از سال گذشته مبتلا به ای‌ال‌اس شده. از یک داروی ژاپنی خبردار شده که گویا در درمان ای‌ال‌اس به تأیید رسیده. باز هم اثر قطعی نداشته، ولی سیر بیماری را اندکی طولانی‌تر می‌کند.

در تنگنای اقتصادی کشور وظیفه من به‌عنوان پزشک معالج در برابر چنین درخواست‌هایی چیست و چه خواهد بود؟ به‌عنوان پزشک مدیر و برنامه‌ریز چه؟ آیا باید چشم بر تمام حقایق واقعا موجود بست و به اصرار خواهان ارائه چنین درمان‌هایی بپردازم؟ پس تکلیف بسیاری از درمان‌های اساسی‌تر که روی هوا می‌روند، چیست؟ یا باید به‌طور کلی منکر چنین درمان‌هایی شد و یکسره پاسخ منفی داد که در آن صورت حدی که درمان‌های ضروری و غیرضروری را در ذهن من از هم جدا می‌کند کجاست و چگونه می‌توان آن را تعیین کرد؟

بی‌تردید عبور از تنگناهای تاریخی وظایفی دشوارتر و به‌لحاظ اخلاقی پیچیده‌تر پیش پای پزشکان، نه به دلیل عنوان و شغلی که دارند، بلکه به دلیل وظایف ذاتی پزشکی‌شان می‌گذارد. جامعه پزشکی کشور ما یک‌بار در دوران جنگ ایران و عراق از این تنگنا سربلند بیرون آمده است.

این وظایف بسته به موقعیتی که پزشکان ایرانی دارند اشکال متنوعی به خود می‌گیرد. دشوارترین وظایف اخلاقی در جهت سوگند پزشکی، برعهده پزشکانی است که مسئولیتی در سیستم سلامت دارند. به‌طور منطقی در هر شرایطی، وظیفه مراقبت از سه گروه بیماران در اولویت وظایف هر دولتی است: اول بیماران اورژانسی، دوم بیماران ناتوانی که نیاز به مراقبت دائمی دارند و سوم بیماران متعلق به دهک‌های پایین اقتصادی کشور که روزبه‌روز در حال افزایش هستند. در شرایط اضطراری کشور، این وظیفه ذاتی اهمیتی صدچندان پیدا می‌کند. اما دشواری بیشتر در آن است که مدیریت سایر بیماری‌ها نیز نباید به دست فراموشی سپرده شود و باید سیاستی عقلانی و قابل دفاع برای آنها هم اندیشیده شود. جزئیات را نمی‌توان برشمرد، اما آشکار است که برای افتراق ضروری از غیرضروری، درجه‌بندی ضروری و نحوه هزینه‌کردن منابع تنها باید به گروه‌های علمی دانشگاهی و نه تصمیمات خلق‌الساعه اطمینان کرد. به‌علاوه در محدودیت‌های به‌شدت واقعی، تنها باید به واقعیاتی که دانش روز دیکته می‌کند تکیه کرد و نه خواب و رؤیاهایی که سنت، حاشیه و... آنها را برجسته می‌کنند. از سوی دیگر بسیاری از محدودیت‌هایی که به شکل عرف و عادت درآمده‌اند در شرایط اضطرار باید تغییر کنند؛ فی‌المثل راه‌های متعدد همکاری و همیاری پزشکان ایرانی خارج از کشور با وطن خود تسهیل شده و مورد تشویق قرار گیرند. در شرایطی که کشور ما را نیرویی تهدید می‌کند که کمپین‌های گسترده بین‌المللی در برابر او در حال شکل‌گیری است، کشور می‌تواند از امکانات سازمان‌های بین‌المللی پزشکی هم بهره بگیرد. واقعیت آن است که قطع رابطه جامعه پزشکی کشور با جوامع پزشکی بین‌المللی که آن هم عمده‌تا دلایل سیاسی و اجتماعی داشته، تا همین الان باعث صدمات بسیاری بوده است. محدودیت‌های جدید بی‌تردید تأثیرات عمیق‌تری بر این رابطه خواهد گذاشت که دود آن مستقیما به چشم بیماران و در درجه بعد به چشم جامعه پزشکی خواهد رفت.

به‌عنوان پزشک معالج و به‌تبع آن عضو انجمن‌های پزشکی باید تلاش کرد تا از پوسته‌های تنگ تخصص خود بیرون بیاییم و کلیت سلامت جامعه را در نظر آوریم. این اخلاقی است به‌شدت خلاف عادت، چراکه پیشرفت‌های سرسام‌آور تکنولوژیک و فرهنگ «خودی» پسند ما افق نگاه ما را به آن‌سوی دستگاهی که این کار می‌کنیم محدود کرده است. در یاد ندارم انجمن پزشکی را که از یک تکنیک پیشرفته در رشته تخصصی خود به جهت منافع اولی‌تر سلامت، حتی در همان رشته تخصصی چشم پوشیده باشد یا انجمن تخصصی‌ای که یک نقیصه ملی سلامت در رشته‌ای مجاور رسته خود را درخواست کرده باشد. در یاد ندارم حتی یک متخصص در مناقشات فی‌مابین تخصص‌های مختلف جانب حریف را بگیرد. البته که فرارفتن از افق نگاه و نگرستن به کل و دست‌یافتن به نوعی توازن در خدمات سلامت، نه‌تنها خصلت ذاتی خدمات سلامت و مدرن‌ترین تعریف فریختگی و روشنفکری است، اما در شرایط اضطراری کاری است اجتناب‌ناپذیر. نکته مهم دیگر در شرایط اضطرار عبارت است از توجه و رعایت مدرن‌ترین اصول اخلاق حرفه‌ای، ولو آنکه هنوز به شکل قانون درنیا آمده باشند یا حتی کسی ضوابط آن را تدوین نکرده باشد. رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در ارتباط با شرکت‌های تجاری یکی از همین اصول اخلاقی است. جامعه در تنگنا توان پرداخت برای مصارف القاشده توسط شرکت‌های دارویی را ندارد. در هیچ جامعه‌ای این ارتباط اخلاقی نیست، اما در دوران بحران نه‌تنها این ارتباط که عدم مقابله با چنین ارتباطاتی هم غیراخلاقی است. اخیرا برخی از انجمن‌ها به صورت جدی و رسمی خواهان ممنوعیت ورود و توزیع برخی داروهای بی‌اثر شده‌اند که اقدامی بسیار مفید است. مسئولیت‌پذیری انجمن‌ها در برخورد با تخلفات سازمان خودشان و نظارت بر رعایت اصول اخلاقی ارتباط با شرکت‌ها، درعین‌حال دارای این خاصیت هم هست که ایشان را بیش از پیش مورد وثوق نشان داد و اتکای هرچه بیشتر بر گروه‌های علمی را برای برنامه‌ریزی سلامت، آن هم در شرایط اضطرار مقدور می‌کند.

میدون و سوفیا

تنگ گلدار ممنوع شد

پوریا عالمی

۱. استفاده از دامن‌های کوتاه و جوراب شلاری‌های توری تن‌ما در خیابان‌ها ممنوع است.
۲. کسانی که پاهایشان در دامن‌های روی زانو خودنمایی کند، بابت این رفتار ضداجتماعی جریمه می‌شوند.
۳. حرکات موزون «تحریک‌آمیز» ممنوع است.
۴. روشن‌کردن رنگ موها به دلیل پیروی از فرهنگ غربی‌ها ممنوع است.
۵. پوشیدن لباس‌های تنگ گلدار ممنوع است.
۶. لباس‌هایی با نوشته‌های انگلیسی ممنوع است.

بابای سوفیا موارد بالا را به نقل از ایسنا، با صدای بلند می‌خواند و روزنامه را پرت می‌کند روی زمین و می‌گوید: دیگه چی می‌گید؟ این هم از خارج. توی خارج این چیزها ممنوع شده. بعد شما جای اینکه از آدم‌های موفق یاد بگیرید و برید ماشین پورشه وارد کنید یا ارز دولتی بگیرید و موبایل وارد کنید، صبح تا شب گیر ببخود می‌دید به مملکت که زن توی ایران فلان، کجا، زن توی ایران فلان؟ نمی‌بینید که توی ناف خارج هم این محدودیت را برای مصونیت زنان در نظر گرفته‌اند؟ نمی‌بینید خود خارج هم از پیروی از فرهنگ غربی شاکلی است؟

می‌گویم: عذر می‌خوام بابای سوفیا. کجای خارج این موارد ممنوع شده؟ بابای سوفیا می‌گوید: خارج، خارج است دیگه، فرقت چیست؟ شما که عمله خارج هستید، الان هم باید این فرهنگ خارجی را تبلیغ و ضد زن تبلیغ کنید. فهمیدی یا نه، قلم‌به‌مدز بدبخت خارج‌پرست؟ می‌گویم: می‌دانم فرقی ندارد. فقط محض اطلاعات عمومی خودم مایلم بدانم کجای خارج موارد بالا ممنوع شده. بابای سوفیا با دهان بسته یک صدایی درمی‌آورد شبیه اینکه «کومکومکاکاووووم اووووم». می‌پرسم کجا را گفتید؟ دوباره با دهان بسته یک صدایی درمی‌آورد که «اووم کوکوکم اووووم». می‌گویم کجا را گفتید؟ می‌گوید گفتم دیگه، می‌گویم متوجه نشدم، لطفا یک‌بار دیگر تکرار بفرمایید. می‌گوید اخبار یک‌بار گفته میشه... هارهارهار. می‌گویم حق با شماست فقط بگویید کدام کشور بوده؟

بابای سوفیا می‌گوید: اه... از جامعه مدنی همین گیردادنش را یاد گرفتید همه‌تان... کره‌شمالی، کره‌شمالی این قانون‌ها را وضع کرده. خوب شد؟ از بابای سوفیا تشکر می‌کنم و می‌گویم: این کره شمالی، همان کره‌شمالی است که دشمن آمریکا بود و شما می‌گفتید خاک بر سر ما که از کره‌شمالی یاد نمی‌گیریم، بعد شل کرد و با آمریکا مذاکره کرد و گفت بمبش را هم می‌گذارد لب کوزه و آب غنی‌شده‌اش را خواهد خورد؟ بابای سوفیا می‌گوید: این شد تحلیل؟ خیلی گایو. من دارم درباره حقوق زنان حرف می‌زنم، تو گوزن را به شقایق ببوند می‌دهی؟ من اصلا با تو بحثی ندارم. برو نشخوارت را بکن آقای به‌اصطلاح روزنامه‌نگار. می‌گویم: شما فقط روشن کنید ما همه سیاست‌های کره‌شمالی را الگو قرار دهیم؟ یا هرجا ماست‌ها را ریخت توی قیমে‌ها، الگو کنیم؟

جمع‌بندی: سوفیا... سوفیا... به نظر بهترین رژیم برای لاغرشدن، روزی نیم‌ساعت حرف‌زدن با بابای تو است، چون هم هربار از بس حرص می‌خورم، سه کیلو لاغر می‌شوم. عاشق حرص‌خوردن تو؛ میدون دوم

پرنده آبی

اعتراض به حکم پزشک کیارستمی

دیروز و با انتشار حکم قطعی پزشک کیارستمی، دو موضوع در شبکه‌های اجتماعی مورد اعتراض و واکنش کاربران قرار گرفته بود: اول حکمی که برای پزشک پرونده کیارستمی صادر شده است و دیگری پزشکانی که با عدم نصب کارت‌خوان می‌خواهند از مالیات فرار کنند. محکومیت‌های صادرشده برای پزشک معالج شامل توبیخ کتبی با درج در پرونده و درج در نشریه سازمان نظام پزشکی، سوءپیشینه انتظامی به مدت سه سال، محرومیت از مسئولیت فنی مراکز درمانی و محرومیت از تأسیس مرکز درمانی، از نظر بسیاری از کاربران، در حکم قطعی پرونده پزشکی کیارستمی انتظارات بسیاری برآورده نشده است. از نظر بسیاری حکم دادگاه پزشک: «#عباس_کیارستمی بدین شرحه؛ اسمش رو می‌نویسیم تو بدها. دیگه از این کارها نکنه، به‌گونه‌ای که انگار انتظار داشتنت #جراح_کیارستمی اگه ژاپنی بود تا الان خودش را کشته بود». برخی نیز به بازخوانی وعده‌های افراد مختلف؛ از وزیر و مسئول در مدت این دو سال پرداخته‌اند، به‌خصوص فیلمی که در مراسم #سالگرد_عباس_کیارستمی گرفته شده که در آن قول #وزیر_بهداشت به #بهمن_کیارستمی و همه حاضران در سالن ثبت شده است. الهه خسروی، همسر رضا رستمی که خود درگیر پرونده همسرش به دلیل خطای پزشکی است نیز چنین نوشته است: «محرومیت از کار نگرفت، کماکان میتونه جراحی کنه و چون در پزشکی قانونی سقف ۵ درصد دیه را برای پزشک لحاظ کردند در صورتی که حکم زیر ۱۰ درصد باشد درواقع تذکر شفاهی برای پزشک لحاظ می‌شود. آقای دکتر فقط ۵ درصد مقصر شناخته شدند». در این مدت هشتک‌هایی نظیر #شما_تنها_نیستید، #خطای_پزشکی، #پرونده_پزشکی_کیارستمی و #عباس_کیارستمی بارهاوبارها در شبکه‌های اجتماعی داغ و دربارِه آن اظهارنظر شد. داغ هشتک #مطب_پزشکان آن‌طور که چمان گزارش داده است، در واکنش به افزایش روند حذف دستگاه‌های کارت‌خوان در مطب برخی پزشکان است که از سال گذشته رواج پیدا کرده تا با این روند از زیر بار پرداخت مالیات شانه خالی کنند.